

## باید موضوع امام مهدی علیه السلام را بر همه قضایا مقدم بدانیم!

باید امام صاحب الزمان علیه السلام را در همه حال یاد کنیم؛ چراکه امروز او تمثیل عترت است و باید موضوع امام را بر همه قضایا مقدم بدانیم. باید قرآن بخوانیم، و منظورم فقط در لفظ نیست، بلکه تدبر معانی اش، مستقر کردن آثارش و عمل به آن است. باید خود را به اخلاق قرآن بیاراییم و پس از عمل به آن، آن را در جامعه نشر دهیم؛ زیرا کسی که مردم را به مکارم اخلاق دعوت می کند در حالی که خود بر آن ها منطبق نباشد، هیچ تأثیری بر دیگران نخواهد داشت، و حتی چه بسا نتیجه عکس حاصل کند. از اهل بیت علیهم السلام به این معنا روایت شده است: «دعوت کنندگانی خاموش به سوی ما باشید.» یعنی با علم، عمل و رفتار نیک در میان مردم. نه فقط با حرف زدن. که ابزار اصلی برای بیان تبلیغ و فراخوان است.

سید احمد الحسن، کتاب «گوساله»، جلد دوم، مبحث مهم ترین اعمال برای تعجیل فرج امام علیه السلام

حاکمیت الله، تجلی اراده خدا

راه زنان در مسیر ملکوت

قسمت پنجم

سلسله پاسخ هایی به بدعت  
۱۰۱ یوحنا دمشقی

قسمت ششم

شناخت خداوند فقط با  
شناخت حجت خدا

قسمت پنجم



## سید احمد الحسن کیست؟

سید احمد الحسن، فرزند سید اسماعیل، فرزند سید صالح، فرزند سید حسین، فرزند سید سلمان، فرزند امام محمد بن الحسن العسکری علیه السلام است. ایشان وصی و فرستاده امام مهدی علیه السلام است و برای هدایت و زمینه سازی ظهور مقدس مبعوث شده است. همان یمانی موعود، برای شیعیان و همان مهدی متولد شده در آخرالزمان نزد اهل سنت که رسول الله صلی الله علیه و آله بشارت تولد ایشان را داده اند و نیز فرستاده ای از سوی حضرت عیسی علیه السلام و حضرت ایلیا علیه السلام برای مسیحیان و یهودیان است. ایشان دعوت الهی خویش را به دستور پدر بزرگوارش امام مهدی علیه السلام، در سال ۱۹۹۹ در نجف اشرف، پایتخت دولت عدل الهی آغاز نمودند و از آنجا دعوت امام مهدی همچون دعوت رسول الله به همه جهان انتشار یافت. سید احمد الحسن برای اثبات حقانیت خویش، به قانون معرفت حجت های الهی احتجاج می کنند: این قانون از سه اصل تشکیل می شود:

۱. نص الهی؛ یعنی وصیت شب وفات رسول الله صلی الله علیه و آله را مطرح کرده اند و نام مبارک احمد به عنوان مهدی اول در آن ذکر شده است.

۲. علم و حکمتی که برای هدایت همه مردم ارائه داده و با آن، همه علمای ادیان و بزرگان الحاد را به تحدی فراخوانده اند.

۳. پرچم البیعة لله (دعوت به حاکمیت خدا)

ایشان یکی از اوصیای رسول خدا صلی الله علیه و آله است که در وصیت آن حضرت در زمان وفاتش به وی تصریح شده است: از اباعبدالله جعفر بن محمد از پدرش امام باقر از پدرش صاحب پینه ها زین العابدین از پدرش حسین زکی شهید از پدرش امیرالمؤمنین؛ که فرمود: «...ای ابالحسن، صحیفه و دواتی حاضر کن؛ و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وصیتش را املا فرمود تا به اینجا رسید که فرمود: ای علی، پس از من دوازده امام خواهند بود و پس از آن ها دوازده مهدی. ای علی، تو نخستین دوازده امام هستی... و ایشان دوازده امام اند و سپس دوازده مهدی خواهد بود... پس اگر زمان وفاتش رسید، آن [خلافت] را به فرزندش، نخستین مهدیین تسلیم کند که سه نام دارد، نامی مانند نام من و نام پدرم که عبدالله و احمد است، و نام سوم مهدی است و او اولین ایمان آورندگان است.»

# پرسش و پاسخ

## فهرست

- شناخت خداوند فقط با شناخت حجت خدا قسمت پنجم..... ۳
- راهزنان در مسیر ملکوت قسمت پنجم..... ۶
- پاسخ‌هایی به بدعت ۱۰۱ یوحنا دمشقی قسمت ششم..... ۹
- حاکمیت خدا، تجلی اراده الهی..... ۱۳



### هفته‌نامه زمان ظهور

شماره ۱۳۸، جمعه ۱۳ آبان ماه ۱۴۰۱،  
۹ ربیع الثانی ۱۴۴۴، ۴ نوامبر ۲۰۲۲  
صاحب امتیاز: مؤسسه وارثین ملکوت

راه‌های ارتباطی:  
[WWW.VARESin.ORG](http://WWW.VARESin.ORG)  
[WWW.ALMAHDYOON.CO](http://WWW.ALMAHDYOON.CO)



هر گونه برداشت از هفته‌نامه با ذکر منبع بلامانع است.

زمان ظهور منتظر دریافت نظرات، پیشنهادات و انتقادات  
سازنده شما عزیزان است.

الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام

شناخت خداوند فقط با شناخت حجت خدا | قسمت پنجم

# خداوند شهادت می‌دهد!

نویسنده: میعاد مسعودی



و برای هرکدام، توضیحاتی از قرآن کریم و روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) ارائه شد و با دلایل قرآنی و روایی اثبات کردیم که اولین شخص احتجاج‌کننده به نص تشخیصی، صاحب حق است و امکان ندارد مدعی دروغین با وصیتی که با لفظ بازدارنده از گمراهی یاد شده افراد را به انحراف بکشاند؛ زیرا خود خداوند وعده داده از نص تشخیصی حفاظت می‌کند. حال سؤالی که پیش می‌آید این است که:

در مقالات گذشته، راه شناخت حجج الهی و حقانیتشان، با استناد به آیات صریح قرآن و روایات آل محمد (علیهم‌السلام) بررسی شد و دانستیم که:

**همه حجت‌های الهی با سه شاخصه شناخته می‌شوند و این قانون و سنتی ثابت است که تا قیامت پابرجاست:**

۱. وصیت یا نص الهی از حجت‌های سابق
۲. علم الهی
۳. دعوت به حاکمیت خدا

سید احمد الحسن:

نص خلیفه خدا در زمین نسبت به فرد بعد از خودش که آن را به بازدارنده از گمراهی برای افرادی که به آن چنگ بزنند، توصیف نموده است و نصی الهی است، باید از سوی خداوند، از ادعا نمودن توسط افراد دروغ‌گو و باطل، محافظت شود، تا اینکه صاحب (اصلی)، آن را ادعا کند؛ وگرنه به سبب امکان تبعیت از [مدعی] باطل، دروغ و فریب برای مکلفین محسوب می‌شود، و این از دانای راست‌گوی توانای حکیم مطلق سبحان صادر نمی‌شود. (وصیت مقدس، نوشتار بازدارنده از گمراهی، پرسش اول)

## ارتباط بنده با خداوند و ملکوتش از طریق رؤیای صادق در خواب و بیداری (مکاشفه):

سید احمد الحسن در کتاب زیبای عقاید اسلام می فرماید:

«این گونه نص، بسیار مهم بوده و دلیل بر خلافت است؛ چون مستقیماً از سوی خداوند است و در هر زمانی حضور دارد و برای همه مردم قابل دستیابی است.»

امکان ندارد نص مستقیم الهی با نص خلیفه در صورتی که وجود داشته باشد، مخالفت کند؛ چون هر دو نص الهی هستند؛ رؤیایها (نصوص الهی) که می توان به آنها احتجاج کرد، رؤیایهای متواتری هستند که نمی توان مدعی دیدن آنها را تکذیب کرد، و با نص الهی رسیده از سوی خلیفه سابق به صورت مستقیم یا با نص تشخیصی غیرمستقیم از سوی خلیفه که موصوف به بازدارنده از گمراهی است موافق است.

**از نظر عقلی:** این چنین دلیلی موافق حکمت و رحمت است؛ پس حکیم و رحیم مطلق آن را ترک نمی کند؛ ما هنگامی که وجود خدای سبحان را اثبات کردیم و ثابت کردیم که او حکیم و رحیم مطلق است و هیچ نقصی در ساحت او راه ندارد و حتمی بودن استخلاف را نیز به سبب موافقت با حکمت و رحمت مطلق او اثبات کردیم، بالتبع ثابت می شود که آنچه موافق با حکمت و رحمت مطلق اوست همانا نص و تصریح مستقیم از سوی خود او بر امامت خلیفه و جانشین اوست و همواره روش او همین بوده است؛ و از آنجا که طریق نص مستقیم از او، همان وحی است و آن طریق وحی که بین او و مخلوقاتش یعنی مردم باز است همان رؤیاست، ثابت می شود که او حتماً بر خلیفه خود از این طریق نص می کند و برای او به وسیله وحی از طریق رؤیای صادق در خواب و بیداری شهادت می دهد؛ وگرنه اگر این طریق نص را ترک می کرد، مخالف رحمت و حکمت مطلق او بود؛ چون راهی را ترک کرده که هدف از آفرینش خلق (یعنی معرفت) با آن محقق می شود و در نتیجه الوهیت مطلق او نقض می گردد. خداوند از این نقص مبرا و منزّه است. [۴]

آیا خداوند هم به حقانیت حجتش شهادت می دهد؟

چگونه خداوندی که مالک و حاکم آسمانها و زمین است از حقانیت حجتش دفاع می کند؟

خداوند در آیات بسیاری خود را به عنوان شاهد معرفی می کند که تعدادی از آنها را می خوانیم:

(مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَمَا أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنْ نَفْسِكَ وَأَرْسَلْنَاكَ لِلنَّاسِ رَسُولًا وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا) (آنچه از نیکی به تو رسد، از سوی خداست و آنچه از بدی به تو رسد، از سوی خود توست؛ و تو را برای مردم به پیامبری فرستادیم و گواه بودن خدا [بر پیامبری تو] کافی است). [۱]  
(لَكِنِ اللَّهُ يَشْهَدُ بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ أَنْزَلَهُ بِعِلْمِهِ وَالْمَلَائِكَةُ يَشْهَدُونَ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا) (ولی خدا به آنچه بر تو نازل کرده «گواهی می دهد» که آن را به علم و دانش خود نازل کرده، و فرشتگان هم گواهی می دهند، گرچه گواهی خدا کافی است). [۲]

از آیات واضح بالا می توان نتیجه گرفت که خداوند، نص یا شهادت مستقیم به فرستادگانش دارد و در کنار نص مکتوب و تشخیصی خلفای پیشین در راه شناخت حجت، مسیری آسان تر و سریع تر وجود دارد. آن مسیر همان طلب خالصانه حق از خود خداوند قادر و حکیم است. جالب آنکه این مسیر برای همه بندگان باز است حتی کفاری که از رسول خدا ﷺ طلب معجزه داشتند!

(وَقَالُوا لَوْلَا أُنْزِلَ عَلَيْهِ آيَاتٌ مِنْ رَبِّهِ قُلْ إِنَّمَا الْآيَاتُ عِنْدَ اللَّهِ... قُلْ كَفَى بِاللَّهِ بَيِّنًا وَبَيِّنَاتٍ شَهِيدًا يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ...) (وگفتند چرا معجزاتی از پروردگارش بر او نازل نمی شود؟ بگو معجزات فقط نزد خدا هستند... بگو اینکه خدا بین من و شما شهادت می دهد کفایت می کند؛ او آنچه را در آسمانها و زمین است می داند...). [۳]

حال چگونه می توان به نص و شهادت مستقیم  
خداوند پی برد؟!

سید احمد الحسن:

رؤیای صادق همان وحی و نص الهی نزد آفریدگان است که به وسیله آن خلیفه خدا در زمین را می شناسند و به اعتبار اینکه وحی الهی محسوب می شود، در صورت تحقق شروط، دلیل مستقلاً برای شناخت خلیفه خدا به شمار می رود.  
(عقاید اسلام، مبحث «احتمال اینکه رؤیا از تلقین و خواسته نفسانی باشد»)



روشن نیست؟ دو راه وحی، رؤیا در خواب و رؤیا در بیداری است.

آیا روشنی بیشتر از این وجود دارد که رؤیا، راه گواهی خداوند به خلیفه اش در زمین است و نزد همه بندگان که خواستار گواهی خداوند هستند [وجود دارد].

آیا روشنی بیشتر از این، وجود دارد که رؤیا، راه نص خداوند بر خلیفه اش در زمین است؛ راهی که هریک از مردم که بخواهند بشنود، می شنوند، بدون قید و شرطی.

خداوند این امر را به وضوح و بدون هیچ شبهه ای درباره دعوت حضرت محمد ﷺ بیان فرمود؛ به طوری که خداوند خود را شاهدی برای او، برای هرکسی که خواستار شهادت خداوند سبحان است معرفی می کند. [۸]

#### نتیجه:

رؤیای صادق در خواب و بیداری (مکاشفه)، نص مستقیم خداوند بر حقانیت حجتش است که همواره و در هر زمان برای همگان در دسترس است و امکان ندارد نص خداوند با نص تشخیصی مکتوب از حجت های سابق مخالفت داشته باشد و خداوند شهادت خود در رؤیا را برای بندگان کافی می داند.

با ما همراه باشید...

#### منابع:

۱. نساء، ۷۸.
۲. نساء، ۱۶۶.
۳. عنکبوت، ۵۰ تا ۵۲.
۴. کتاب عقاید اسلام، نوشته سید احمد الحسن، ص ۹۶ و ۹۷.
۵. یوسف، ۵.
۶. قصص، ۷.
۷. مائده، ۱۱۱.
۸. کتاب عقاید اسلام، نوشته سید احمد الحسن، ص ۹۹ تا ۱۰۰.

در ادامه، سید احمد الحسن از آیات قرآن کریم برای اثبات حجت رؤیا یا نص مستقیم خداوند مثال می آورد؛

که ما به اختصار برخی از آنها را می آوریم.  
در قضیه رؤیای حضرت یوسف علیهِ السلام، پدرش یعقوب علیهِ السلام و برادران یوسف علیهِ السلام می دانستند که این رؤیا بر رسالت یوسف علیهِ السلام حجت دارد و یعقوب علیهِ السلام می ترسید داستان هابیل و قابیل در حق یوسف تکرار شود.

(قَالَ يَا بُنَيَّ لَا تَقْصُصْ رُؤْيَاكَ عَلَىٰ إِخْوَتِكَ فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُّبِينٌ)  
(گفت: «فرزندم! خواب خود را برای برادرانت بازگو مکن که برای تو نقشه (خطرناکی) می کشند؛ چرا که شیطان، دشمن آشکار انسان است). [۵]

همچنین وحی بر مادر حضرت موسی علیهِ السلام که خود از مکلفان بود و به پیام الهی که از رؤیا یا مکاشفه دریافت کرده بود اعتماد کرد و جگرگوشه خود را به رودخانه سپرد!

(وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ فَإِذَا خَفَتْ عَلَيْهِ فَأَلْقِيهِ فِي الْيَمِّ وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحْزَنِي إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكَ وَجَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ) (ما به مادر موسی الهام کردیم که او را شیر ده؛ و هنگامی که بر او ترسیدی، وی را در دریا بیفکن؛ و نترس و غمگین مباش، که ما او را به تو بازمی گردانیم، و او را از رسولان قرار می دهیم). [۶]

همچنین وحی به حواریون در رابطه با حقانیت حضرت عیسی علیهِ السلام...  
در کتاب عقاید اسلام از سید احمد الحسن می خوانیم:

(وَإِذْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ الْحَوَارِيِّينَ أَنْ آمِنُوا بِي وَبِرُسُولِي قَالُوا آمَنَّا وَآشْهَدُ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ) (و هنگامی که به حواریون وحی کردم که به من و فرستاده من ایمان بیاورید، گفتند ایمان آوردیم و شاهد باش که ما تسلیم هستیم). [۷]

آیا روشنی بیش از این درباره رؤیا در دین خداوند وجود دارد که به وضوح در آیه می بینیم؟!  
آیا در آیه، گواهی خداوند به حواریون، از راه وحی

#### سید احمد الحسن:

از آیات قرآن به روشنی پیداست که خداوند برای مکلفان جهت خلفای خود از طریق وحی با رؤیا شهادت داده است؛ رؤیاهایی مانند رؤیاهای حواریون عیسی علیهِ السلام و رؤیاهای اصحاب محمد ﷺ، و این سنت خداست. هرکس منکر آن یا مدعی تبدیل و تغییر آن است، باید بینه و دلیل اقامه کند.  
(عقاید اسلام، مبحث «نص از سوی خداوند سبحان»)

## راهزنان در مسیر ملکوت | قسمت پنجم



# القای شیطان در مسیر هدایت، امری حتمی است

مشاهده کرد، صرفاً نجوا و القایی شیطانی بود نه رؤیاسازی. نکته ای که باید بدانیم این است که القا و نجوای شیطان در مسیر انبیا و اوصیا از امور حتمی بوده که برای فتنه و آزمایش مؤمنان و جداسازی منافقان از مؤمنان رخ می دهد، و خداوند در قرآن کریمش می فرماید:

(وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّا إِذَا تَمَنَّى أَلَفِيَ الشَّيْطَانَ فِي أُمْنِيَّتِهِ فَيَنْسَخُ اللَّهُ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ ثُمَّ يُحْكُمُ اللَّهُ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ\*)

آنچه فاطمه زهرا (ع) در رؤیای خود از شیطان دریافت کرد القا و نجواست؛ همان طور که خود اهل بیت حدیث رؤیای فاطمه زهرا را در تفسیر آیه ۱۰ سوره مجادله بیان کرده اند که خداوند می فرماید:

(إِنَّمَا النَّجْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزُنَ الَّذِينَ آمَنُوا) (نجوا کردن فقط کار شیطان است که می خواهد مؤمنان را محزون کند).

طبق تصریح قرآن آنچه فاطمه زهرا (ع) در خواب

سید احمد الحسن:

شیطان نمی تواند کلمات خدا را تلاوت کند یا به شکل رموز ملکوت آسمان ها یا خلفای خدا و ملائکه و اسمای الهی شود؛ و اگر این کارها برایش ممکن بود، پس دیگر نباید ملکوت به دست خداوند شمرده می شد؛ بلکه باید به دست شیطان قلمداد می شد و دیگر مجال برای اطمینان به هیچ چیزی که از ملکوت باید باقی نمی ماند. (عقاید اسلام، مبحث «احتمال اینکه رؤیا از ناحیه شیطان باشد»)



لِيَجْعَلَ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ فِتْنَةً لِلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ وَالْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ) (و پیش از تو [نیز] هیچ رسول و پیامبری را نفرستادیم جز اینکه هرگاه چیزی تلاوت می نمود، شیطان در تلاوتش القای [شبهه] می کرد؛ پس خدا آنچه را شیطان القا می کرد محو می گردانید، سپس خدا آیات خود را استوار می ساخت، و خدا دانای حکیم است \* تا آنچه را که شیطان القا می کند، برای کسانی که در دل هایشان بیماری است و [نیز] برای سنگدلان آزمایشی گرداند، و ستمگران در ستیزه های بس دور و درازند). (حج، ۵۲ و ۵۳)

**القای شیطان در مسیر انبیا و مؤمنین از امور حتمی است که به ناچار ما نیز باید با آن روبه رو شویم؛ اما آنچه بایستی بدانیم این است که این القا، خود نیز فتنه و آزمایشی برای مؤمنین در مسیر ولایت و هدایتشان است و آنچه شیطان می خواهد گمراهی مردمان است** و حتی حضرت ابراهیم (علیه السلام) از این فتنه و آزمایش مصون نماند و شیطان نسبت به رؤیای حضرت ابراهیم نیز شروع به تشکیک و القا کردن نمود.

به زمین نهاد [تا ذبحش کند] و او را ندا دادیم که ای ابراهیم! خوابت را تحقق بخشیدی. به راستی ما نیکوکاران را این گونه پاداش می دهیم. به یقین این همان آزمایش روشن بود؛ و ما اسماعیل را در برابر قربانی بزرگی [از ذبح شدن] رهانیدیم، و در میان آیندگان برای او [نام نیک] به جا گذاشتیم. سلام بر ابراهیم. [ما] نیکوکاران را این گونه پاداش می دهیم).

امام صادق (علیه السلام) در بیان این آیات پس از آنکه حضرت ابراهیم (علیه السلام) فرزندش را آماده ذبح نمود فرمود: «... پس او را خوابانید و چاقو را برداشت و بر گلویش قرار داد. پیرمردی از راه رسید. گفت: از این جوان چه می خواهی؟ فرمود: می خواهم او را قربانی کنم. گفت: سبحان الله! جوانی را که حتی یک لحظه خدا را معصیت نکرده، می خواهی قربانی کنی؟ فرمود: آری همانا خداوند مرا به ذبح او امر کرده است. شیخ گفت: خیر، بلکه خدایت تو را از ذبح او باز می دارد، و حتماً شیطان در خواب، تو را چنین دستور داده. فرمود: وای بر تو، صدایی که شنیدم همان کسی است که به من ابلاغ کرده. نه، به خدا سوگند که با تو سخن نمی گویم.»

(البرهان فی تفسیر القرآن، سید بحرانی، ج ۴، ص ۶۱۵ و ۶۱۶)

خداوند قرآن را با هدف الگوبرداری مؤمنان در پیروزی امتحانات الهی فرو فرستاده و مسیر درست و غلط را در آن برای ما مشخص کرده است. طبق بیانات قرآن یکی از فتنه ها و آزمایش های الهی که ابراهیم به واسطه آن مورد ارزیابی قرار گرفت رؤیا بود.

خداوند حضرت ابراهیم (علیه السلام) را به وسیله رؤیا مورد ارزیابی قرار داد و حضرت ابراهیم (علیه السلام) رؤیایش را تصدیق و از القای شیطان در مسیر رؤیایش دوری کرد؛ همان طور که در روایت خواندیم؛ پس القای شیطان از امور حتمی در مسیر ایمان و آزمایش های الهی است و حضرت ابراهیم (علیه السلام) از آن مصون نماند؛ بلکه خداوند ابراهیم (علیه السلام) را به واسطه تصدیقش نه تنها تأیید کرد، بلکه او را پاداش داد.

خداوند در آیه ۱۲۴ سوره بقره می فرماید:

**(وَإِذْ أَتَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ**

خداوند در آیات ۱۰۰ الی ۱۱۰ سوره صافات می فرماید:  
(رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ \* فَبَشِّرْنَاهُ بِغُلَامٍ حَلِيمٍ \* فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَىٰ فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانْظُرْ مَاذَا تَرَىٰ قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ \* فَلَمَّا أَسْلَمَا وَتَلَّهُ لِلْجَبِينِ \* وَنَادَيْنَاهُ أَنْ يَا إِبْرَاهِيمُ \* قَدْ صَدَّقْتَ الرُّؤْيَا إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ \* إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْبَلَاءُ الْمُبِينُ \* وَفَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ \* وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ \* وَسَلَامٌ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ \* كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ). [گفت] «ای پروردگار من! مرا [فرزندی] از شایستگان بخش.» پس ما او را به پسری بردبار مژده دادیم. هنگامی که با او به [مقام] سعی رسید، گفت: پسرکم! همانا من در خواب می بینم که تو را ذبح می کنم، پس با تأمل بنگر رأی تو چیست؟ گفت: پدرم آنچه به آن مأمور شده ای انجام ده. اگر خدا بخواهد مرا از شکیبایان خواهی یافت. پس هنگامی که آن دو تسلیم [خواستۀ خدا] شدند و ابراهیم، جبین او را

سید احمد الحسن:

قرآن آکنده از وحی خداوند سبحان و متعال از طریق رؤیا به انبیا از جمله ابراهیم (علیه السلام)،

محمد (صلی الله علیه و آله) و یوسف (علیه السلام) است.

(نبوت خاتم، مبحث «نبوت محمد (صلی الله علیه و آله)»، رؤیا و نبوت)

**عَهْدِي الطَّالِمِينَ** [و یاد کن] هنگامی که خداوند، ابراهیم را با سخنانش آزمود؛ و او به خوبی از عهده این آزمایش ها برآمد. پس خداوند به او فرمود: «من تو را امام و پیشوای مردم قرار دادم.» ابراهیم عرض کرد: «از دودمان من [نیز امامانی قرار بده].» خداوند فرمود: «پیمان من، به ستمکاران نمی رسد.»

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه می فرمایند: «خداوند او را در رؤیایش با ذبح کردن پسرش، اسماعیل علیه السلام آزمود.» (تفسیر اهل بیت علیهم السلام، ج ۱، ص ۶۴۶)

طبق بیان امام صادق علیه السلام مقصود خداوند از آزمونی که منجر به نائل شدن حضرت ابراهیم به مقام امامت شد رؤیای ذبح فرزندش بود؛ پس او به القای شیطان توجه ننمود و در رؤیایش شک را وارد نکرد و آن را تصدیق نمود و خداوند او را پس از ترک القائنات شیطان و تصدیق رؤیا، به مقام رفیع امامت نائل گردانید.

دکتر زکی صبیحاوی در کتاب «در پیشگاه صیحه» می گوید: «شأن و جایگاه ابراهیم علیه السلام با رؤیا و شناخت وی از ملکوت، بزرگ و عظیم بوده است، و آن هنگامی که خود را در برابر امتحان و آزمون یافت، بزرگی مقام

او که با ارتباط با غیب و اخلاص در توجه به غیب به دست آمده بود آشکار شد. **عمل به اخبار ملکوتی، کاری نیست که از عهده یک انسان برآید مگر پس از آنکه انسان در مراتب معرفت حقیقی، ارتقا پیدا کند و به پروردگار سبحانش به قدری نزدیک شود که با دلیل ثابت کند او بنده ای حقیقی برای سرور و سیدش بوده است؛** سروری که دستور می دهد و او نیز اطاعت می کند و تسلیم می شود؛ و حتی اینکه ابراهیم علیه السلام در رؤیا دید پسرش اسماعیل علیه السلام را ذبح می کند نشان دهنده دانش و معرفت و صبر بزرگی بود که منجر شد به اینکه اسماعیل علیه السلام «ذبیح الله» نامیده شود؛ ذبیح الهی که فدیة دادن با یک گوسفند الهی را به عنوان پاداشی برای پدر صبور و فرزند صبورتر شکل داد؛ زیرا کسی که رؤیا را دید پدرش علیه السلام بود، ولی اسماعیل علیه السلام فقط به طور کامل تسلیم حرف حجت خداوند سبحان شد؛ و این تصویر، حقیقت پیروی مأموم از امام را آشکار می کند، و اینکه حقیقت این خبردهی از آسمان، همان حقیقتی است که هر قدر هم دشوار بوده باشد راهی برای انحراف از آن وجود ندارد.»

#### سید احمد الحسن:

اگر پیامبران و مرسلین علیهم السلام به رؤیاهایی که پیش از ارسالشان در خواب می دیدند ایمان نمی آوردند و آن ها را تصدیق و به مضمون آن عمل نمی کردند، به مقامات عالی و قرب الهی که بعدها دست یافتند، نمی رسیدند و اصولاً خدا آن ها را به مقام رسالت بر نمی گزید.

(نبوت خاتم، مبحث «نبوت محمد صلی الله علیه و آله»، رؤیا و نبوت)

(بگو من بدعتی از فرستادگان نیستم)



# سلسله پاسخ‌هایی به بدعت ۱۰۱ یوحنا دمشقی

قسمت ششم | محمد صلی الله علیه و آله و راهب مسیحی

به قلم: آندریاس انصاری

ان شاء الله در این قسمت بخش دیگری از سخنان یوحنا دمشقی را تقدیم می‌کنیم و به بررسی آن خواهیم پرداخت؛ دمشقی درباره محمد صلی الله علیه و آله می‌گوید:

«این مرد، پس از برخورد اتفاقی با عهد قدیم و جدید و مانند آن‌ها، ظاهراً، پس از گفت‌وگو با یک راهب آریایی، خود بدعتی را پایه‌گذاری کرد.» پایان نقل قول.

سید احمد الحسن:

در قرآن آمده است که محمد صلی الله علیه و آله هنگام مبعوث شدنش، احمد یا «یهودا» است که در کتاب به او بشارت داده شده است؛ یعنی ایشان ادعا کرده است که این متن بر او منطبق می‌شود؛ همان طور که محمد صلی الله علیه و آله فرمود: «من عبدالله هستم و من اسرائیل هستم و هر آنچه او را قصد نموده، مرا نیز قصد نموده است.»

(عقاید اسلام، مبحث «خلافت محمد صلی الله علیه و آله»)

## • دیدار محمد ﷺ با بحیرا، راهب مسیحی

**در حقیقت هیچ راه گریزی از افتراءات دروغ گویان نیست؛ این شگرد دشمنان انبیای خداست که اخبار دروغین را با اخبار حقیقی مخلوط می کنند و سپس خبر جعلی و جدیدی می سازند تا امر را بر دیگران مشتبه کنند.**

یوحنا ی دمشقی نام این راهب و مشخصات آن را نمی گوید؛ اما به احتمال زیاد منظورش همان «بحیرا» است. ماجرای دیدار محمد ﷺ با این راهب در کتب تاریخی نظیر «السیره النبویه» نوشته ابن هشام حمیری آورده شده است؛ [۱] خلاصه آنکه بحیرا متوجه می شود که محمد ﷺ برگزیده خداست؛ با توجه به آنچه در کتاب ابن سعد -مورخ و سیره نویسنده مشهور- وجود دارد، سن محمد ﷺ در این دیدار ۱۲ سال [۲] ذکر شده است. [۳]

### • نکته دوم؛ تکذیب همراه با افترا

وقتی متکبران مطلبی را که نبی خدا آورده است نمی پسند، این گونه حکم می کنند که او پیامبر دروغین است و سپس برای اثبات این تهمت، خود را نیازمند ساخت یک داستان دروغین می بینند؛ تا تهمتشان در نظر کسانی که زحمت تعقل به خود نمی دهند حقیقی به نظر آید؛ به عنوان مثال وقتی عَزْرِیا ابن هُوشَعْیا و یوحنا بن قاریح و جمیع مردان متکبر سخنان خدا را که ارمیا علیه السلام آن را آورد، با گوش های خود شنیدند، به او گفتند:

«تو دروغ می گویی، یهوه خدای ما تو را نفرستاده است تا بگویی (به مصر بروید و در آنجا سکونت نکنید). \* بلکه باروک پسر نیریا تو را بر ما برانگیخته است تا ما را به دست کلدانیان تسلیم نموده، ایشان ما را بکشند و به بابل به اسیری ببرند.» [۷]

آری؛ وقتی چیزی در چنته ندارند، بر یک فرستاده دروغ می بندند که فلان کاتب او را برانگیخته است و بر فرستاده دیگر دروغ می بندند که تحت تأثیر فلان راهب قرار گرفته است! **چه حقیقت تلخی است که تاریخ همیشه تکرار می شود.**

### • نکته سوم؛ موضع ما در برابر هر خبر

موضوع دیگری که اهمیت بالایی دارد این است که ما به هر حدیث و رویدادی که نقل می شود اعتقادی نداریم؛ اما اگر یوحنا ی دمشقی یا هر شخص دیگری

شرم آور است فردی که ادعای ایمان به کتاب مقدس را دارد پس از مطالعه یا شنیدن خبری، آن را وارونه و توهم دوست داشتنی خود را به مخاطبانش منتقل می کند! آیا چنین فردی متون مربوط به دروغ را در کتاب مقدس نمی خواند تا حال خود را بداند؟! [۴]

### • نکته اول؛ هجوم به وقایع تاریخی

موضوع مهمی که علاقه دارم بیان کنم این است که موضوعات تاریخی گاه با هجوم کینه توزانه دشمنان روبه رو می شود و تخریباتی که در این هجوم به بار می آید موجب شک و شبهه برای مردم ناگاه می شود؛ به عنوان مثال طبق انجیل عیسی علیه السلام به مصر رفت؛ [۵] اما همین رفتن به مصر زمینه را برای دروغ گویان مهیا می سازد تا یک خبر جعلی آماده کنند؛ به عنوان مثال خبر سلسوس درباره عیسی علیه السلام را بخوانید که چه می گوید:

«و با خدمت کردن به صورت اجاره ای (روزمزد) در مصر، و سپس با رسیدن به دانش قدرت های معجزه آسای خاص، از آنجا به کشور خود بازگشت، و با استفاده از آن قدرت ها خود را یک خدا معرفی کرد.» [۶]

سید احمد الحسن:

حضرت محمد ﷺ به فرمان خداوند شروع به انذار منحرفین از نزدیکان خویش کرد؛ و به این ترتیب دعوت به سوی خداوند در مکه شروع به گسترش یافت. بزرگان مکه دریافتند که منافعشان به خطر افتاده است؛ بنابراین با روش های مختلف شروع به نقشه کشیدن برای آزار و اذیت پیامبر ﷺ و کشتنش و ضربه زدن به اسلام کردند. (گوساله، جلد اول، مبحث «محمد ﷺ» دعوت کننده به سوی خدا در مکه)

و با اتکا به خود نمی‌تواند اثبات کند که خبر دروغ است یا نه، می‌تواند با چند راهکار به دروغ بودن روایت‌هایی که ضد محمد ﷺ صادر شده‌اند، پی ببرد:

**الف. راحت‌ترین راه، پرسش از خدا درباره محمد ﷺ است؛ از آنجا که خدا خود به حقانیت محمد ﷺ شهادت می‌دهد، پس هر خبری که ضد او باشد باطل است.**

**ب. همچنین معیار قرارداد دادن قانون ثابت شناخت فرستادگان می‌تواند یکی دیگر از راه‌هایی باشد که کمک می‌کند تا شخص بتواند متوجه شود محمد ﷺ حق است و این تنها فرستادگان خداوند که با این قانون می‌آیند. محمد ﷺ با این قانون آمد، همان طور که عیسی (ع) با این قانون آمد؛ [۱۱] پس هر خبری که ضد او باشد باطل است.**

**پ. همان طور که هر نهاد رسمی، سخن‌گویی دارد و برای صحت‌سنجی سخنان منسوب به آن نهاد باید به سخن‌گو یا سخن‌گویان آن نهاد رجوع کرد، برای اطلاع از اعتبار اخبار و احادیث اسلامی نقل‌شده نیز باید به سخن‌گو یا سخن‌گویان اسلام یعنی فرستادگان خدای سبحان و متعال رجوع کرد؛** بنابراین شایسته است که آب از سرچشمه نوشیده شود و بعد از محمد ﷺ برای پی‌بردن به صحت یا عدم صحت یک روایت به جانشینان یا سخن‌گویان ایشان رجوع کرد.

همچنین محمد ﷺ در «حجة الوداع» راهکاری را برای شناسایی اخبار دروغین که به او منتسب می‌کنند، بیان کردند؛ ایشان ﷺ فرمودند:

«دروغ‌پردازان بر من فراوان شده‌اند و بیشتر نیز خواهند شد. هر که عمداً بر من دروغ ببندد، جایگاهش آتش است؛ پس هر وقت حدیثی از من به شما رسید آن را بر کتاب خدا و سنت من عرضه کنید؛ آنچه موافق کتاب خدا و سنت من بود آن را بگیرید و آنچه مخالف کتاب خدا و سنت من بود آن را نپذیرید.» [۱۲]

این‌گونه باشد، پس باید به چند نکته دقت کند:

**الف. خودش را مخاطب این آیه ببیند:**

**(مرد جاهل هر سخنی را باور می‌کند...).** [۸]

**ب. همچنین خود او با این طرز تفکر دوست دارد بگوید که روایت‌های گستاخانه موجود در تلمود که درباره عیسی (ع) وجود دارد کاملاً صحیح است. [۹]**

**پ. هر مسیحی که بر این موضوع پافشاری می‌کند که هر خبری صحیح است، پس به روایات و متونی که اثبات‌کننده ارتباط خدا با محمد ﷺ و رسول خدا بودن ایشان بود نیز اقرار می‌کند؛ خصوصاً این آیه از قرآن کریم:**

**(و هنگامی را که عیسی پسر مریم گفت «ای فرزندان اسرائیل، من فرستاده خدا به سوی شما هستم. تورات را که پیش از من بوده تصدیق می‌کنم و به فرستاده‌ای که پس از من می‌آید و نام او «احمد» است بشارت‌گرم. پس وقتی برای آنان دلایل روشن آورد، گفتند: «این سحری آشکار است.»).** [۱۰]

**آری؛ او به هر خبری ایمان دارد! پس باید بپذیرد که عیسی (ع) به محمد ﷺ بشارت داد؛ کسی که نام دیگرش «احمد» است. پس باید او ﷺ را بپذیرد؛ اما اگر نپذیرد، پس او کلامش را تغییر می‌دهد و معتقد است که هر خبری را نباید پذیرفت! در نتیجه او وارد بازی دو سر باخت می‌شود!**

**ت. هیچ مسیحی نمی‌تواند مسلمانی را بر هر روایتی ملزم کند؛ زیرا روایاتی وجود دارند که متعارض یکدیگرند؛ پس هیچ مسلمانی اعتقاد ندارد که هر روایتی حجت و ایمان به آن لازم است.**

**اما اگر نظرشان تغییر کند و بگویند که «هر خبری صحیح نیست!» پس اینجا این سؤال شکل می‌گیرد که معیار صحت یک خبر چیست؟ مثلاً اگر خبری ضد محمد ﷺ نشر شده باشد، با این خبر چه کنیم؟**

از آنجا که شخص، شاهد عینی ماجرا نبوده است

سید احمد الحسن:

احمد «یهودا» و عبدالله «اسرائیل» که در کتاب مقدس به او بشارت داده شده، آمده و نص را مدعی شده و او محمد ﷺ است. عقاید اسلام، مبحث «خلافت محمد ﷺ»

## پانوشته‌ها

۱. السيرة النبوية، ط دار المعرفة ج ۱، ص ۱۸۰ تا ۱۸۲.  
 ۲. طبق انجیل عیسی (ع) در همین سن با معلمان و در معبد نشسته بود و کلام ایشان را می شنید و سخن می گفت (ر.ک. لوقا ۲: ۴۶-۴۷). اگر کسی پس از خواندن این گزارش انجیل شبیه داستان دروغینی را که دمشق گفته است بسازد، به او چه می گوید؟! آیا نمی گوید او در دشمنی خود شرف نداشته است؟

۳. الطبقات الکبری، ط دار صادر، ج ۱، ص ۱۵۳.  
 ۴. ر.ک. یوحنا ۸: ۴۴؛ مکاشفه ۲۲: ۱۴ و ۱۵.  
 ۵. ر.ک. انجیل متی ۲: ۱۳ تا ۱۵.  
 ۶. اوریگنس آدامانتیوس، علیه سلسوس، کتاب ۱، فصل ۳۸.  
 ۷. ارمیا ۴۳: ۲ و ۳.  
 ۸. أمثال ۱۴: ۱۵.  
 ۹. در تلموذ او متهم به جادوگری و گمراه کردن قوم یهود (ر.ک. تلموذ بابلی، سنهدرین ۴۳ الف: ۲۰) و متهم به پرستش آجر شده است (ر.ک. تلموذ بابلی، سوتاه ۴۷ الف: ۱۴) و متهم شد که او موجب گناه کردن قوم یهود است. (همان) ۱۰. صف، ۶.  
 ۱۱. انجیل به ما نشان می دهد که عیسی (ع) با قانون ثابت شناخت فرستادگان آمده است؛ او با زکن اول آمد (ر.ک. لوقا ۴: ۱۶-۲۱) همچنین با زکن دوم (ر.ک. متی ۱۳: ۵۴؛ لوقا ۱۱: ۱۴-۱۸) و با زکن سوم (ر.ک. متی ۱۹: ۱۷ تا ۱۹؛ مرقس ۷: ۹-۱۳).  
 ۱۲. طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۲۴۶.  
 ۱۳. درباره اینکه عیسی (ع) مصلوب نشد، به طور مفصل این حقیقت را به برکت علم سید احمد الحسن اثبات خواهیم کرد؛ آنجا که دمشق به آن اشاره می کند.  
 ۱۴. در مطالب آینده نشان داده می شود که او به این موضوعات در قرآن کریم اشاره کرده است.  
 ۱۵. آیا درباره عیسی (ع) این اتهام به او زده نشد که بدکار (ر.ک. یوحنا ۱۸: ۳۰) و گناه کار (ر.ک. یوحنا ۹: ۲۴) است؟! این اتهامات به او زده نشد که او صاحب دیو (ر.ک. یوحنا ۷: ۲۰؛ ۸: ۴۸) و یاری شده توسط بعزبول، رئیس دیوهاست؟! (ر.ک. متی ۱۲: ۲۴).

بنابر این صحت احادیث را در وهله اول باید از خود خلیفه خدا سنجید و اگر زمانی پیش آمد که اتصال به او ممکن نبود، از طریق عرضه به قرآن و سنت می توان به درستی حدیث پی برد.

## • کلام پایانی

محمد (ع) که حقانیتش با قانون ثابت شناخت فرستادگان مشخص می شود. کلماتی را از سوی خدا آورد که خواندن یا شنیدنش به مذاق دمشق خوش نمی آمد؛ چرا که به صراحت درباره گمراهی کلیسا و الوهیت مطلق نداشتن عیسی (ع) - که پیش تر از طریق کلام عیسی (ع) نشان داده شد - صحبت شده بود؛ همچنین در قرآن به این موضوع اشاره می شود که عیسی مسیح مصلوب نشد. [۱۳] دمشق به عنوان بخشی از کلیسا، این مطالب قرآن کریم را قبول نداشت. [۱۴] متأسفانه او پست ترین راه را در دشمنی پیش گرفت و آن راه دروغ گوئی و افترا بستن بود و همان گونه که عیسی (ع) آماج دروغ گوئی دشمنانش قرار گرفت [۱۵] محمد (ع) نیز از این هجوم در امان نماند؛ به هر حال شناسایی مدعی با قانون ثابت شناخت یکی از ساده ترین کارهایی است که می توان انجام داد و هر عاقلی با وجود قانونی ثابت - که فرستاده را به او می شناساند - دیگر وقت خود را صرف بررسی هزاران اتهام مطرح شده نمی کند.

ان شاء الله ادامه دارد

## سید احمد الحسن:

هر فردی که گواهی خداوند به محمد (ع) را می طلبد، خداوند دیروز و امروز و فردا خودش را به عنوان شاهد برای محمد و آل محمد (ع) قرار می دهد. فقط بر انسان لازم است که در طلب شناخت حق، اخلاص داشته باشد؛ خداوند به زودی با او، با رؤیا و به وسیله راه های ملکوتی روحی سخن می گوید و حق را و اینکه خداوند با محمد و آل محمد (ع) است، برایش روشن می سازد.

(عقاید اسلام، مبحث «خلافت محمد (ع)»)

# حاکمیت خدا، تجلی اراده الهی

به قلم: سید علاء علوی

نیاز بشر به حاکمیت یک نیاز فطری است و خداوند باری تعالی اراده فرموده که خلفای او بر اساس قانون الهی بین مردم به عدل و قسط حکومت کنند.

امام علی (علیه السلام) می‌فرمایند: «لَا بُدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ» «مردم را امیری لازم است؛ خوب یا بد.» (نهج البلاغه، صبحی صالح، ج ۱، ص ۸۲ و ۸۳)  
فطرت انسانی قانونمند و ضابطه‌مند طراحی شده که قابلیت رشد و سقوط را در خود دارد. برای بالفعل درآوردن جنبه الهی آن چند متغیر باید لحاظ شود. ابتدا قانون‌گذاری باید باشد که از تمامی نیازها و بایدونبایدهای لازم برای آن آگاه باشد تا قانونی شمولی وضع کند که همه جنبه‌های آن را ترقی و رشد دهد.

سید احمد الحسن:

کسی که قانون را وضع می‌کند خداوند سبحان و متعال است. اوست آفریننده این زمین و ساکنانش، و آنچه را که به صلاح اهل زمین و ساکنانش است می‌داند؛ از جمله صلاح انسان‌ها، جنیان، حیوانات، گیاهان و موجودات دیگری که از آن‌ها آگاهی داریم یا از آن‌ها بی‌اطلاع هستیم.  
(«حاکمیت خدا، نه حاکمیت مردم»، مبحث دنیا)

و «طاعون» آلبرکامو و دیگر نویسندگان از وضعیت نابهنجار تأسفبار جوامع مدرن مادی گرا خبر می دهد. خروجی این گونه دیدگاه ها انسانی حقیر و خودباخته و منفعل و لذت پرست بوده است.

و در خصوص تعالیم فوق العاده ای جهت ایجاد تمدن پیشرو انسانی، چارچوب هایی بر اساس شناخت درست و دقیق از انسان و نیازهای مادی و معنوی اش در رسالت های الهی مطرح شده که اگر ملت ها شایستگی این را پیدا کنند که برای اجرای تعالیم زمینه سازی کنند سعادت دنیوی و اخروی را برای خود رقم خواهند زد.

سید محمد محمد صادق صدر در کتاب تاریخ غیبت صغرا ص ۱۲۴ می گوید: «اگر امام منصب ریاست الهی را در جامعه ای که اختلاف نظر گرایش های مختلف را دارد، به دست آورد و افراد آن به لذت های زودگذر بسنده کرده و مصلحت شخصی را دنبال کنند و از تعالیم اسلام به دور باشند و آمادگی فداکاری در راه اسلام را در کوچک ترین امر ممکن نداشته باشند، آیا امام خواهد توانست خدمات اسلامی مورد نظر را در چنین جامعه ای ارائه دهد؟! خیر! تطبیق کامل عدل الهی، نیازمند عمل مستمر و فداکاری های بزرگ و طاعت مطلقه از حاکم عادل است و این امور در جامعه ای که منحرف و ناآگاه است، حاصل نمی شود.» رهاورد رسالت های الهی از طریق حاکمیت الهی، رهایی از همه قیود و بندهایی است که در مسیر به ظهور رسیدن تمدن الهی سنگ اندازی می کنند.

**حاکمیت خدا از این لحاظ مورد توجه باید قرار بگیرد که قانون و حاکم در حاکمیت الله دارای کمال لازم و به دور از خطای بشری است.**

سید احمد الحسن در کتاب «حاکمیت خدا، نه حاکمیت مردم» (ص ۵۴) می فرماید:

درگام بعد قوه مجریه این قانون نیز باید شایستگی و قابلیت فهم و درک قانون و چگونگی پیاده کردن آن را بداند که قانون به طور کمال و تمام اجرا شود؛ در غیر این صورت این قانون تنها در لابه لای کتب باقی خواهد ماند.

مرحله سوم توده های مردمی هستند که باید قانون بر آن ها منطبق شود و هدف خلقت را از خلال این قانون محقق کنند.

**این سه محور، کلیت حاکمیت خدا را نشان می دهد.**  
**- قانون گذار**  
**- مجری قانون**  
**- مکلفین**

با دوری از تعالیم الهی و وارد کردن نظریه های حاکمیت مادی گرایی، چالش های بزرگی در خصوص حاکمیت در دوره های مختلف ایجاد شد؛ به طوری که احزاب گوناگونی با شعارهای کذایی توانستند برگرده توده های ستم کشیده سوار شوند و چند صباحی حکومت برانند و تاوان این زیاده خواهی ها را مردم با خون خود و ازدست دادن عزیزان خود و لگدمال شدن کرامت انسانی و از بین رفتن آزادی پرداخت کردند. جنگ های خانمان سوز و کشتارهای فجیعی که در تاریخ به وقوع پیوسته است دلیل بر این مدعاست. نهضت اخلاقی رسالت های الهی یک خیزش علیه همه زیاده خواهی های بشر بوده که بشریت را به صورت قهقاریی به دره های انحطاط سوق دادند. بررسی دیدگاه های فلاسفه به روشنی واقعیت پشت پرده و نهان دستاوردهای حاکمیت مردم را روشن می کند. خوانش اجتماعی کتاب هایی مانند «سقوط»

سید احمد الحسن:

مصلحت در چیست و در کدام قانون می گنجد؟ مطمئناً مصلحت در جایی غیر از قانون الهی و شریعت آسمانی نخواهد بود؛ چراکه وضع کننده اش آفریدگار مخلوقات است و او امور پیدا و پنهان را می داند و او می تواند کارها را هرطور که بخواهد به جریان بیندازد؛ پاک و منزّه است او و بسی والاتر است از آنچه شریکش می دارند! («حاکمیت خدا، نه حاکمیت مردم»، مبحث دنیا)

خلقت در راه رسیدن به سعادت یا شقاوت گام برمی دارد. این مجری قانون حاکمیت خداوند است که مردم را از جهل و گمراهی و کج فهمی و سست عنصری می رهاند و در جهت رشد و تعالی آن گام برمی دارد. اراده حاکمیت الهی تجلی اراده خداوند باری تعالی است و در صورت تحقق اراده الهی، انسان به سرمنزل مقصود می رسد.

جهاد جهت اعلای کلمه الهی سرلوحه همه اقدامات رسالت های آسمانی جهت اجرای حاکمیت الهی بر روی زمین است. حاکمیتی که همه استعداد های بشری و توانایی های انسانی او را جهت بازگشت به ساحت قدس آزادی حقیقی الهی به کار می بندد تا آن جامعه آرمانی که فلاسفه و متفکران قرن ها به نظریه پردازی در خصوص آن پرداخته و با کج فهمی های برخی از آن ها از نوع حکومت، باعث به قدرت رسیدن احزاب انسان ستیز شدند، شکل پذیرد.

سید احمد الحسن در کتاب «حاکمیت خدا، نه حاکمیت مردم» (ص ۵۰) می فرماید:

«شکی نیست که رهبری هر طور که باشد چه در چارچوب حاکمیت مردم از نوع دیکتاتوری یا دموکراسی و چه در چارچوب حاکمیت خداوند سبحان و متعال. تأثیر مستقیمی در جامعه انسانی می گذارد؛ زیرا جامعه حداقل به صورت فطری- مجبور به گوش سپردن به این رهبری است؛ زیرا انسان بر پیروی از رهبر تعیین شده از سوی خداوند سبحان و متعال سرشته شده است.»

به همین خاطر بایستی حاکم الهی زمام امور را در دست گیرد تا توده های مردم رشد و تعالی یابند و بتوانند هدف خلقت را محقق نمایند!

«[بر این اساس] صلاح و درستی احوال سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مردم استوار می شود و این به دلیل آن است که تمامی این جوانب در زندگی مردم به قانون و حاکم متکی است؛ زیرا این قانون است که این امور را تنظیم و این حاکم است که آن ها را اجرا می کند؛ پس اگر قانون از طرف خداوند سبحان باشد تنظیم این جوانب بهتر و کامل تر است و وقتی حاکم جانشین و ولی خدا در زمین و بهترین خلق خدا باشد تطبیق و پیاده سازی قانون الهی به طور تمام و کمال و به بهترین شکل صورت خواهد پذیرفت.»

رویکرد حاکمیت مردم رویکردی تک جانبه و منفعت و مصلحت گراست که منافع طبقه خاصی از جامعه تأمین می شود که نتیجه آن تصویب قوانینی است که جوامع را در راستای دیدگاه های خود هدایت می کند. در مقابل، حاکمیت خداوند در صدد رهایی انسان از همه قیودی است که وی را از رسیدن به تعالی منع می کند.

آزادی، ارمغان رسالت های الهی برای توده های مردم در سایه سار تعالیم ارزشمند انسانی است که کمال انسان در گرو تطبیق آن ها در جزء جزء زندگی خویش است.

اخلاق ثمره شیرین جهاد حاکمیت خدا جهت درونی کردن ارزش های انسانی است. جهاد با کلمه جهت باشعور کردن فرد جهت راهیابی به ساحت شناخت و سیر از بندگی ماده به سوی بندگی خداست.

**(اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ...)** (خدا سرپرست کسانی است که ایمان آورده اند. آنان را از تاریکی ها به سوی نور بیرون می برد...). (بقره، ۲۵۷)

سید احمد الحسن:

حاکم تعیین شده از طرف خداوند سبحان و متعال سخن گو از طرف خداست و حاکمی که از سوی خداوند سبحان و متعال معین نشده، سخن گوی شیطان است و تأکید می کنم که گوینده از جانب خدا، دین و دنیا را اصلاح می کند و گوینده از جانب شیطان دین و دنیا را به فساد و تباهی می کشاند.

(حاکمیت خدا، نه حاکمیت مردم، مبحث دنیا)

# مهم ترین خبر جهان!

سید احمد الحسن ظهور کرد.

ای شیعیان و دوستان اهل بیت علیهم السلام فرستاده امام مهدی و دعوت کننده به سوی او، یمانی موعود، سال هاست که منتظر شماست.

ای یهودیان! فرستاده ایلیا آمده است.

ای مسیحیان تسلی دهنده و فرستاده مسیح آمده است.

ای عزیزان اهل سنت! آن مهدی که در آخر الزمان متولد می شود، اکنون در میان ماست.

ای تمام آزاداندیشان و اهل علم در زمین! خلیفه خدا با سندی از علم و شگفتی ها آمده است.